



دیوان بی صدا

دکتر عباس صلاحی اردکانی

عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی کشور

انتشارات چویل
۱۳۹۰

سرشناسه: صلاحی اردکانی، عباس، ۱۳۴۳-
 عنوان و نام پدیدآور: دیوان بی صدا/ عباس صلاحی اردکانی.
 مشخصات نشر: چویل یاسوج، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ی، ۸۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۹۸-۰۷-۹
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴.
 موضوع: شعر مذهبی -- قرن ۱۴.
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ / ۹۲۴۹ / ۱ / ۸۱۳۴ PIR
 رده بندی دیویی: ۸۶۱ / ۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۵۱۷۴۹



نام اثر: دیوان بی صدا

مؤلف: دکتر عباس صلاحی اردکانی

ناشر: انتشارات چویل یاسوج

طراحی و صفحه آرایی: موسسه مطالعاتی «کند و کاو» یاسوج

طرح روی جلد: سید عبدالوهاب ساجدی

نوبت چاپ: ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قطع: وزیری

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۹۸-۰۷-۹

فهرست مطالب

مقدمه ط

فصل اول: اشعار عاشقانه و عارفانه

بی صدا ۳

صبر ۴

رخ ۵

غمزه ۶

حریم عشق ۷

راز دل ۸

هجران ۹

تقدیر ۱۰

غم هجر ۱۱

گمگشته ۱۲

شرط معشوقگی ۱۳

حبيب ۱۴

ساقی ۱۵

راز ۱۶

بهار ۱۷

نوروز ۱۸

طعن ۱۹

دعا ۲۰

کمان ۲۱

دوست ۲۲

ماه ۲۳

۲۴	 جوانی
۲۵	 شکوه
۲۶	 ظلم عشق
۲۷	 دیوانه ها
۲۸	 وفا
۲۹	 پاییز
۳۰	 وصل
۳۱	 ناکفته
۳۲	 دولت
۳۳	 عشق
۳۴	 شاهد
۳۵	 خال
۳۶	 شمع
۳۷	 خدا
۳۸	 خسته
۳۹	 حسرت
۴۰	 فریاد
۴۱	 کاسه چشم
۴۲	 درمان
۴۲	 قصه
۴۴	 الهه نور
۴۵	 بی راه
۴۶	 محرم اسرار
۴۷	 پیر
۴۸	 راز عاشقی

فصل دوم: اشعار مذهبی

۵۳.....	غدير
۵۷.....	قصه نینوا
۵۸.....	دشت کربلا
۶۰.....	فاطمه
۶۱.....	حسن
۶۲.....	عید فطر
۶۳.....	مبعث
۶۴.....	عطر یاس
۶۵.....	بقیع
۶۸.....	خانه دل

فصل سوم: اشعار متفرقه

۷۱.....	بم
۷۲.....	بهره وری
۷۴.....	سبز
۷۵.....	غم بی حساب
۷۶.....	داغ حسرت
۷۷.....	بیمار
۷۸.....	روزگار جبهه‌ها
۸۰.....	حال دل
۸۰.....	مولای من

سرآغاز دفتر به نام او

دل کوس رحلت از کنج غزلت کویید و به قصد قربت، قاصد بادها را به وقت باد صبا به دیدار دوست تحفه ای داد که جز برگ سبزی در آن نیسته اند. آن چه در این نوشته گذشته، کلامی از زبان دل به گاه تنهایی و خلوت با یار بود که با جوهر دل از چشم قلم بر گوشه سپیدی از صفحه زندگانیم نگاشته شد. همیشه با خود می گفتم:

گاش می شد اشک را با جوهر دل رنگ زد

تا نویسم شوق بودن با تو هر جا بی صدا

گاهی صدای بی صدایی رساتر از هر صدایی و نوای بینوایی نشان از بی نیازی دارد. آن آتشی که سوختن در آن لذت است، عشق است و آن لذتی که پایدار است، عشق اوست. او که هر جا از دل صدایش کنی، بی صدا پاسخ دهد و هر جا بی صدا بخوانیش، ناهیدم پیدا شود. او را دوست دارم. نه به امید بهشتش و نه از هراس دوزخش. همو که گفت: ادعونی استجب لکم.

آن چه پوشیدن آن صواب نیست، حدیث خواجه و آن ترک شیرازی است. آنجا که ماهی را از آب بیرون کشند، به گوشه ای از وسعت هستی پی خواهد برد. او که می اندیشید هستی همان آب است و بس. بی شک عیوب فراوان در سروده های این بی صدا پیداست که از اساتید سخن و سخنوران پارسی زبان انتظاری جز گذشت و ارشاد از سر لطف ندارم.

پدرم به شعر علاقه فراوان داشت و شاهنامه را با گریه می سرود. وقتی به سال ۱۳۶۷ هجری قمری اولین کلام شعری خود را سرودم، گشایش همراه با لبخندی در چهره او دیدم که توان مرا برای سرودن، دو صد چندان نمود.

عشق به اولیای الهی و خاندان نبوت نیز سرمایه ای بود که بی صدا را بر آن داشت تا سخنی از آنها در قالب شعر به زبان آرد، هرچند که بسیار ناقص و ناقابل است.

مجموعه حاضر مشتمل بر سه فصل است که در فصل اول اشعار عاشقانه و عارفانه، فصل دوم اشعار مذهبی و فصل سوم اشعار متفرقه منظوم گردیده است.

بدان امید که به لطف ذکر فاتحه ای به روح والدینم، این برگ سبز قبول درگهتان افتد.

دکتر عباس صلاحی اردکانی

تابستان سال ۱۳۹۰

www.ketab.ir